

تقریب مذاهب به معنای تغییر مذاهب نیست



«احمد مبلغی» رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در گفت و گو با ایرنا با بیان اینکه وحدت و نزدیکی میان مذاهب به معنای یکی شدن آنها نیست، تاکید کرد که وحدت و تقریب میان مسلمانان باید از حد حرف و برگزاری کنفرانس ها و نشست هایی در این ارتباط خارج شود و جنبه عملیاتی پیدا کند.

«احمد مبلغی» رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در گفت و گو با ایرنا با بیان اینکه وحدت و نزدیکی میان مذاهب به معنای یکی شدن آنها نیست، تاکید کرد که وحدت و تقریب میان مسلمانان باید از حد حرف و برگزاری کنفرانس ها و نشست هایی در این ارتباط خارج شود و جنبه عملیاتی پیدا کند.

احمد مبلغی علاوه بر ریاست دانشگاه مذاهب اسلامی، رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی است و دارای سابقه ی علمی و پژوهشی گسترده یی در زمینه ی مذاهب اسلامی است. ریاست پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مسوولیت پژوهشکده فقه و حقوق، مدیریت مرکز تحقیقات مجمع تقریب، مدیریت گروه «فقه مقارن» مدرسه تخصصی فقه و اصول، حضور در بیش از بیست همایش علمی داخل و خارج کشور، عضویت در هیات تحریریه سه مجله تخصصی فقهی و تالیف بیش از هفتاد مقاله علمی-پژوهشی از جمله سوابق مطالعاتی و اجرایی اوست.

وی در گفت و گو با گروه پژوهش های خبری ایرنا با تعریف وحدت و تقریب و شاخص های آن، آسیب شناسی بحث وحدت اسلامی و ارایه ی راهکارهایی در این زمینه، به تسامح مذهبی و همزیستی مسلمانان و نقش سمینارها و نشست ها در این ارتباط پرداخت.

در ادامه مشروح گفت و گوی ایرنا با احمد مبلغی آمده است.

*****ایرنا:** در هفته ی وحدت قرار داریم؛ دیدگاهتان درباره ی وحدت اسلامی چیست؟

****مبلغی:** وحدت اسلامی با تعبیرهای مترادفی مانند «وحدت امت اسلامی»، «تقریب مذاهب» یا «همگرایی اسلامی» به کار می رود. هرچند این واژه ها به صورت کامل مترادف نیستند اما ارتباط ها و اشتراک هایی بینشان وجود دارد. ارتباط های نزدیک همراه با عناصر مشترک دارند ولی هر کدام می توانند حاوی معنا یا مفهومی ویژه باشند.

وحدت اسلامی به معنای این نیست که جامعه ی اسلامی مذهب واحدی داشته باشد؛ چرا که در جامعه ی اسلامی مذاهب متفاوتی وجود دارد. چرا که اگر وحدت به معنای این باشد که به سمت تک مذهبی پیش برویم، چنین امری غیر قابل تحقق است و دعوت به آن جز به توهم گرایی و حتی اختلاف انگیزی بین جامعه ی اسلامی عایدی در بر ندارد.

در معنای دیگر وحدت باید گفت، وحدت وصف مناسبات است؛ یعنی جامعه ی اسلامی برخلاف داشتن مذاهب، زبان ها، اقوام و حتی ساختارهای سیاسی مختلف باید از یک مناسبات فرامذهبی، فراقومیتی و فراسیاستی برخوردار باشد و در یک ساختار کلی تر و فراتر به عنوان امت اسلامی در ارتباط و تعامل با هم باشند. اگر وحدت را به این معنا بگیریم امر بسیار معقول، شرعی و ضروری است.

ما برای رسیدن به چنین معنایی باید واژگان و نظریه های فعالی را مطرح کنیم و به میان و میدان بیاوریم؛ نظریه هایی همچون «نظریه همزیستی»، «نظریه عدم امحاء مذاهب»، «نظریه تحمل اختلاف های فکری و مذهبی» و یک سلسله یی از نظریه ها و دیدگاه های اسلامی را باید ذیل وحدت اسلامی مطرح کنیم تا هر کدام از آن ها بخشی از وحدت را زیر پوشش بگیرند و تبیین و مفاهیم آن بخش را تامین کنند.

*****ایرنا:** فرهنگ همزیستی و تساهل و مدارا را در راستای رسیدن به وحدت اسلامی چگونه ارزیابی می کنید؟

****مبلغی:** بخشی از نظریه های قابل طرح و ضروری برای تاسیس و طرح وحدت نظریه هایی است که اشاره کردید. اسلام درباره ی «نظریه همزیستی» نگاه بسیار فراگیر، معقول و تحقق پذیری را ارایه کرده است. ما باید این نظریه را بشناسیم و ارایه کنیم اما در این باره از طرف علمای اسلام در تعریف نظریه ی همزیستی اسلامی کم کاری شده است. برای همین زندگی امت اسلامی دچار یکسری کژاندیشی ها، افکار عجیب و غریب از تکفیری ها تا نظریه های دیگر درباره ی زندگی شده که چوب حراج بر زندگی مشترک اسلامی می زند. از این رو ما باید یک نظریه ی کلان برای همزیستی اسلامی ارایه کنیم.

نظریه ی تسامح و تساهلی که گاهی درباره ی مباحث فرهنگی مطرح می شود و ممکن است بار منفی نیز داشته باشد مد نظر ما نیست؛ بلکه آنچه مد نظر است تسامح و تساهل مذهبی است به این معنا که اگر کسی دارای مذهبی است و به آن اعتقاد دارد باید به او احترام گذاشت چرا که اگر این تسامح و تساهل شکل بگیرد دیگر نه شیعه نسبت به سنی و نه سنی نسبت به شیعه سخت گیری خواهد داشت.

تسامح یک امر معقول و حتی شرعی است؛ امام محمد باقر(ع) فرموده اند: «تعایش(همزیستی) یک سوم اش تغافل(نادیده گرفتن) است» به این معنا که بخشی از امت معتقد به مناسک و اعتقاداتی براساس مذهب خود است و تو به عنوان تابع مذهب دیگر باید تغافل کنی، چرا که اگر تغافل نکنی تعایش شکل نمی گیرد.

***ایرنا: برخی معتقدند تفسیرهایی که از تاریخ اسلام شده نقش مهمی در تقریب یا تعارض بین پیروان مذاهب داشته است؛ نظراتان در این باره چیست و چگونه می شود اختلافات تاریخی را به عرصه ی امروزی نکشاند؟

**مبلغی: در اصل نیازی به تاریخ نیست؛ چرا که میان خود مذاهب مرزهای فکری و اعتقادی و به تبع آن فروع دینی وجود دارد. اگر همه دارای یک معتقدات یا فروع واحدی در زمینه ی دین بودند، مذاهب شکل نمی گرفت. منبع این اختلاف ها برخی تفسیرهایی است که هر مذهبی از نصوص دینی دارد یا روایت هایی است که نسبت به تاریخ دارد. بنابراین قرائت های تاریخی و استفاده از نصوص یا مصادر مختلف باعث شده که مذاهبی شکل بگیرد که در مسیر تاریخ بماند.

سخن این است که برخی به اشتباه افتاده اند و فکر می کنند وحدت اسلامی به معنای دست کشیدن از اختلافات مذهبی است؛ اختلافات مذهبی را که نمی شود برطرف کرد؛ چرا که وجود دارد. اینجاست که عده یی دچار یک حیرت فکری می شوند و می گویند که تقریب ممکن نیست؛ آنها تصورشان بر این است که شیعه و سنی بیایند و اختلاف های عقیدتی خود را کنار بگذارند و این نشدنی است چرا که هر مذهبی دارای نگاه خاص اعتقادی و احکامی است.

***ایرنا: همان گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند دنیای اسلام نیازمند تقریب است و نقش علما و نخبگان را در این زمینه مهم دانستند؛ دیدگاهتان در زمینه ی تقریب و نقش علما و نخبگان چیست؟

**مبلغی: در زمینه ی تقریب چند نکته حائز اهمیت است؛ اول این که تقریب یک اندیشه است و باید تبیین اندیشه یی پیدا کند؛ نکته ی دوم این که وجود تفرقه در جامعه که از سرچشمه های اختلاف اندیشگی و فکری ناشی می شود نیاز به حضور و فعالیت یک اندیشه ی فراتر کنترل کننده دارد؛ نکته ی سوم این که ایجاد یک نظم و همزیستی به تولید اندیشه یی و نظریه یی نیاز دارد. با توجه به نکته هایی که مطرح شد به این نتیجه می رسیم که تقریب مذاهب از جهات و جنبه های مختلف نیاز به یک اندیشه ورزی و یک نظریه پردازی دارد و روشن است که علم و اندیشه کار نخبگان، عالمان و دانشگاهیان است؛ به همین خاطر نقش عالمان و دانشگاهیان در ایجاد طرح تقریب مذاهب مهم و حساس بوده و نیاز به مدل سازی و طراحی طرح هایی در این راستاست.

***ایرنا: با توجه به این که سمینارها و نشست هایی هر ساله درباره ی وحدت اسلامی برگزار می شود خروجی عملی آن ها چه بوده است؟

**مبلغی: سمینارها تا حدی نقش آفریده اند اما نتوانسته اند نقش مطلوب، کارساز و کارآمدی که بتواند جامعه را در مسیر همگرایی رو به تزاید و تصاعد قرار دهد، ایفا کنند. به این علت سمینارهایی که تاکنون بوده به دلیل متصف بودن به چند ویژگی و خصلت نتوانسته اثر مطلوبی برجای بگذارد؛ خصلت اول این که بسیاری از این سمینارها و کنفرانس ها موضوعات کلی و انتزاعی را در دستور خود قرار می دهند و بیانیه ی اختتامیه ی آنها جز توصیه های کلی ارایه ی دیگری ندارد.

ویژگی دوم این است که بسیاری از این سمینارها بر روی ریل تکرارگویی قرار گرفته اند و به تکرار مکررات دست می زنند. خصلت سوم چنین سمینار و کنفرانس هایی نداشتن ابعاد علمی دقیق و تبیین و نظریه پردازی است و تنها سطحی از بحث را ارایه می کند و جامعه را به سمت شناخت آسیب ها و شناخت عوامل اساسی تفرقه رهنمون نمی کند. ویژگی چهارم این

سمینارها دوری از میدان عمل است یعنی به صورت دقیق پیگیری و تحقق آن در جامعه دنبال نمی شود.

من معتقدم سمینارها باید مساله محور باشند و مسایل موجود در جامعه ی اسلامی را در دستور کار قرار بدهند؛ دیگر این که این سمینارها باید به سمت مبناشدن مشترکات امت اسلامی برای ایجاد یک مدل رفتاری پیش بروند. همچنین این سمینارها باید همراه با یکسری فعالیت های میدانی و فتواهایی باشد تا اقدامات عملی در راستای نتایج این سمینارها را شاهد باشیم.

***ایرنا: به نظر شما چه خطراتی وحدت بین مسلمانان را تهدید می کند؟

**مبلغی: خطرهایی که وحدت امت اسلامی را تهدید می کند یکی فقدان نظریه های اسلامی در جهت فهم، ایجاد و تحقق بخشیدن به همگرایی و همزیستی اسلامی است که به نوعی بزرگترین آسیب و خطری است که امت اسلامی از آن رنج می برد. دوم این که امروزه یک مناسبات شفاف و واضح تعریف شده که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد. سوم این که چون فضا از یک مناسبات اینگونه یی خالی و به دور است و نوعی وضعیت برزخی و حالت آب گل آلودی و بینابینی پیدا کرده و باعث شده تا عاملی به نام «تکفیری» و کژاندیش «همه مشرک پندار»، به صحنه آمده و صحنه را از رفتارهای خود پر کرده و تنش ها و بحران ها را رو به تزاید ببرند.

***ایرنا: دیدگاهتان درباره ی گروه ها و جریاناتی که دنبال ایجاد تفرقه و جدایی مذاهب هستند چیست و راه تضعیف چنین تفکرانی چیست؟

**مبلغی: راه تضعیف چنین گروههای این است که ما یکسری بحث های عمیق و ریشه داری را در مجامع علمی، دینی و دانشگاهی به راه بیاندازیم. بهترین راه این است که یک حرکت به دور از شعار و تبیینی و نظریه یی در فضاهای اسلامی رخ بدهد که بسیار موثر است، از حیث عملی نیز نیاز به این داریم که جامعه وحدت را یک ارزش ببیند. پس در نتیجه فعالیت خوب در عرصه ی تئوری و عمل می تواند جایگاه تفرقه اندیشان و تفرقه اندازان را ضعیف کند تا آنان نتوانند خللی در وحدت اسلامی ایجاد کنند.

***ایرنا: تعاملات اقتصادی و پیوندهای سیاسی کشورهای اسلامی آیا می تواند زمینه یی برای کم کردن اختلافات مذهبی باشد؟

**مبلغی: این امر می تواند به معنای دیالکتیکی (جدل دو طرفه) باشد؛ به این معنا که گاهی گرایش های اقتصادی واحد یا همگرایی اقتصادی در یک زمینه هایی و همگرایی سیاسی در زمینه های دیگر به صورت چشمگیری اختلافات مذهبی را در محاق قرار بدهد. گاهی اوقات هم اختلاف های مذهبی می آید و وضعیت های سیاسی را از هم جدا می کند.

من معتقدم ما باید خطی که دارای چند اصل است را دنبال کنیم؛ اصل اول نگاهی فراتر از وضعیت، ساختار و تفاوت های سیاسی است تا در یک وضع فراتر از آن بتوانیم به قدر متیقن یا حداقل های همزیستی و وحدت اسلامی گردن بنهیم و در جهت تثبیت و تحکیم آن ها باشیم.

اصل دوم این که اگر در فضاهایی یک سطحی از وحدت سیاسی ایجاد شد باید بکوشیم با گفت و گوها یک سطحی از گرایش سیاسی و اقتصادی واحد را پیدا کنیم که همین به نوبه ی خود در وحدت مناسباتی و وحدت اسلامی بین اتباع مذاهب تاثیرگذار است.

اصل سوم این که ما اختلاف های سیاسی و منافع اقتصادی را در یک گفت و گوی رو به پیش و رو به تصاعد به سمت نزدیکتر شدن دیدگاه ها قرار بدهیم هرچند در مواردی ممکن است این نزدیکتر شدن دیدگاه ها انجام نپذیرد.

در آخر بگویم آنچه خطرناک است این است که اختلاف های سیاسی زمام وضعیت ها و سرنوشت های امت اسلامی را به دست گیرد.

***ایرنا: برای ارتقای وحدت اسلامی چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

****مبلغی:** معتقدم که علما و نخبگان امت اسلامی باید به سمت نظریه پردازی در زمینه همزیستی اسلامی و لوازم و ملزومات آن در قالب اندیشه گی روی آورده و از کم کارهایی که تاکنون شده به شدت پرهیز کنند. در ادامه یکسری اقدام های عملی به صورت نهاد فتوی به میدان بیاید تا بتواند آنچه که باعث آزدگی خاطر طرفین از یکدیگر می شود را با فتوا کنترل کند. همچنین برنامه ی مشترکی برای مواجهه با تکفیریان از هر طرفی که باشد داشته باشیم.

در پایان باید یادآور شوم ایجاد وحدت اسلامی را نباید سخت گرفت چرا که آنچه سخت است، خطرهایی است که بر اثر کم کاری ما منتهی به ظهور یکسری شکاف هایی در جهان اسلام شده است. ما نیازمند یک اجتماع فکری و عملی میان علمای شیعه و سنی هستیم که اگر شروع شود تا حدود زیادی می تواند ابتکار جامعه اسلامی را به دست بگیرد.